



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- تمه: بررسی مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی -

مصادف با: ۶ شوال ۱۴۴۲

ادله: دلیل ششم - اثبات کبری - ادله اثبات مسئولیت حکومت اسلامی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر - آیه اول

جلسه: ۱۰۳

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

دلیل ششم

بحث در ادله مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی بود. تا اینجا پنج دلیل را ذکر کردیم و مورد بررسی و ارزیابی قرار دادیم؛ بعضی از این ادله را پذیرفتیم و برخی دیگر محل اشکال و شبهه قرار گرفت.

دلیل ششم یک قیاس متشکل از یک صغری و کبری است؛ صغرای قیاس این است که حجاب و پوشش به عنوان معروف شناخته می‌شود و بی‌حجابی و بدپوششی به عنوان منکر. کبری این است که دولت اسلامی و حاکم اسلامی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت دارد؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین وظایف حاکم اسلامی است. نتیجه آن است که حکومت اسلامی و حاکم اسلامی نسبت به مسأله حجاب و پوشش باید امر و نهی کند. با این استدلال اصل مسئولیت دولت اسلامی نسبت به حجاب و وضع قوانین، مقررات و استفاده از ابزارها برای این معروف و منکر ثابت می‌شود. البته این احتیاج به توضیح دارد و این صورت اجمالی استدلال است. قهراً اشکالاتی نسبت به این استدلال وجود دارد که در ادامه بیان خواهیم کرد. در وهله اول باید اصل این استدلال را تقریر کنیم و ببینیم بر چه اساسی استنتاج از این دلیل می‌کنند و الزام را می‌خواهند ثابت کنند.

اثبات صغری

از نظر صغری واضح و روشن است که مسأله حجاب در محیط شرع به عنوان معروف تلقی می‌شود. هر آنچه که خداوند به آن امر کرده، معروف است؛ هر آنچه خدا از آن نهی کرده، منکر است. در این تردیدی نیست که حجاب برای زنان مأموره است و از بی‌حجابی و کشف نهی شده است، و آن چیزی که در شرع و شریعت مأموره باشد به عنوان معروف شناخته می‌شود. قدر مسلم از معروف و منکر آن چیزهایی است که شارع به آنها امر کرده یا از آنها نهی کرده است. اگر کسی به این مطلب اشکال کند، بحث دیگری است و ما فعلاً در مقام تقریب استدلال این را ذکر می‌کنیم. بنابراین صغری بحثی ندارد.

اثبات کبری

اما در کبری بحث این است که دولت نسبت به امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت، وظیفه و ولایت دارد؛ یعنی یکی از شئون دولت و حاکمیت اسلامی، مسأله امر به معروف و نهی از منکر است، آن هم با همه مراتب آن. این کبری را چطور می‌توانیم ثابت کنیم؟ این خودش یک بحث مبسوطی نیاز دارد اما اجمالاً برای اینکه استدلال در اینجا تمام شود ناچار هستیم خیلی خلاصه و فهرست‌وار این ادله را ذکر کنیم.

ادله مسئولیت حکومت اسلامی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر

برای اثبات این کبری به چند دلیل می‌توان تمسک کرد، من الآیات و الروایات و السیره؛ البته آنچه که به عنوان سیره (سیره پیامبر ص و معصومین ع) ذکر می‌شود هم می‌تواند به عنوان یکی از ادله اثبات مسئولیت و وظیفه حاکم اسلامی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر مورد استفاده قرار گیرد و هم خودش مستقلاً و رأساً به عنوان یک دلیل برای اثبات مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی می‌تواند مورد استناد واقع شود. یعنی بعضی از این ادله ممکن است قابلیت این را داشته باشد؛ چه اینکه برخی از آیاتی که می‌خواهیم ذکر کنیم، هم در قبل به آن استناد کردیم و هم الان در همین موضوع خودمان مورد استناد قرار می‌گیرد. پس این را از خلال ادله می‌توانیم استفاده کنیم که چه بسا مسئولیت دولت (حاکمیت اسلامی) در این زمینه اهم و اشد و آكد است و در بعضی موارد چه بسا وظیفه انحصاری او باشد؛ الان نمی‌خواهیم انحصار را اثبات کنیم، نمی‌خواهیم بگوییم امر به معروف و نهی از منکر فقط وظیفه حاکمیت است؛ فعلاً اصل اینکه حاکمیت دینی و اسلامی و حاکم اسلامی نسبت به مسأله امر به معروف و نهی از منکر وظیفه و مسئولیت دارد را ثابت می‌کنیم. البته ممکن است از بعضی از ادله صرفاً انحصار استفاده شود، یعنی غیر حاکمیت و دیگران نمی‌توانند چنین کاری را انجام دهند؛ و هم ممکن است به نحوی باشد که نافی مسئولیت آحاد مسلمانان نباشد.

سؤال:

استاد: نه به عنوان اینکه احدٌ من المسلمین است، اینکه از این بحث خارج است؛ اگر این را بخواهیم اینجا اثبات کنیم، اصلاً استدلال خراب می‌شود. بحث این است که از موضع حکومت و حاکمیت این وظیفه به عهده اوست.

دلیل اول: آیات

آیه اول

آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». می‌فرماید: باید بعضی از شما مسلمانان، دیگران را به خیر و خوبی دعوت کنند و از زشتی و بدی باز دارند؛ و این گروه کسانی هستند که به رستگاری خواهند رسید.

ظاهر آیه اصل لزوم امر به معروف و نهی از منکر را ثابت می‌کند؛ می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ»، از این جمله الزام فهمیده می‌شود؛ اینکه گروهی از شما باید این کار را بکنند، یعنی یک وظیفه‌ای که بر دوش همه مسلمانان باشد به نحو وجوب عینی مثل نماز، از این استفاده نمی‌شود. چون اینجا یک بحثی است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر یک وجوب عینی یا وجوب کفایی؟ آیا در همه عرصه‌ها این بحث جاری است یا در مواردی در هر صورت وجوب عینی است؟ اینها بحث‌هایی است که در کتاب امر به معروف و نهی از منکر باید درباره آن بحث کرد؛ اینکه آیا اصل وجوب آن عینی است یا کفایی؛ راجع به مراتب و شرایط آن. ما فعلاً درباره مفاد این آیه می‌خواهیم گفتگو کنیم که ظهور در الزام به یک گروهی دارد که اینها باید این کار را انجام دهند و اینها از رستگاران هستند.

سؤال:

استاد: اینجا یک عده‌ای «من» را تبعیضیه می‌دانند؛ وقتی من تبعیضیه باشد یعنی یک گروه خاصی باید این رسالت را انجام دهند. اگر من تبیینیه گرفته شود، مسئولیت سنگین‌تر می‌شود؛ یعنی همگانی و شامل همه مسلمانان می‌شود. اگر من را تبعیضیه

بدانیم، طبیعتاً این شامل یک گروه خاصی است. یک وقت است که می‌گوییم منظور از این گروه خاص یک تعدادی از مسلمانان است که باید این کار را انجام دهند؛ از این منظر نگاه می‌کنیم که اگر تعدادی انجام دهند، از دیگران ساقط است؛ چه اینکه برخی همین استفاده را کرده‌اند که این یک وجوب کفایی دارد. ولی آنچه که از این آیه با مجموعه اموری که مربوط به خود الفاظ آیه است، مثل خیر، معروف، منکر، بالاخره کسی که می‌خواهد دعوت به خیر کند، امر به معروف کند، از منکر نهی کند، این معلوم می‌شود که آدم‌های برجسته باید باشند. برجستگی اینها به اموری است؛ به اینکه خود اینها عامل باشند. کسی که واقعاً خودش اهل عمل به خیر نیست، بعید است که به قرینه مناسبت حکم و موضوع بگوییم این می‌تواند دعوت به خیر کند. قرینه مناسبت حکم و موضوع اقتضا می‌کند که آدمی که اهل شر است، نمی‌تواند دعوت به خیر کند. کسی که به این عنوان معروف است؛ پنهانی را کار نداریم. اگر من را تبعیضه بگیریم، اینطور باید بگوییم که از میان شما گروهی باشند که دعوت به خیر می‌کنند. من همین جا می‌خواهم بگویم که قرینه مناسبت حکم و موضوع اقتضا می‌کند آن کسی که دعوت به خیر می‌کند نمی‌تواند هرکسی باشد؛ «امة» و «یدعون» در اینجا اطلاق ندارد. ... می‌خواهم بگویم که امت انصراف پیدا می‌کند به کسی که عالم باشد به خیر و معروف و منکر و اینها را بشناسد. بله، اینجا شما می‌توانید بگویید این آیه به نحو مطلق می‌گوید حتی کسی که خیر را نمی‌شناسد دعوت به خیر کند؟ ... اگر هیچ آیه و دلیل دیگری نداشتیم، نمی‌توانیم بگوییم این امت می‌خواهد بگوید حتی ناآشنای به خیر، کسی که اصلاً خیر را نمی‌شناسد (علماً و تصوراً)؛ کسی که اصلاً با خیر آشنا نیست دعوت به خیر کند. بله، یک خیرهایی است که از بدیهیات است، این را همه می‌دانند خیر است ... ولی بحث این است که وقتی دعوت به مطلق خیر یک وظیفه و مسئولیت می‌شود، نمی‌تواند این آیه منظورش کسانی باشند که اساساً خیر را نمی‌شناسند. پس علم به خیر باید داشته باشند؛ کسی که امر به معروف می‌کند، امر اینجا بالاخره از ناحیه هرکسی نمی‌تواند صورت بگیرد. اگر بگوییم که امر به معنای لغوی است و مثل همان دعوت است و یا مرون یعنی همان یدعون، این ظاهرش این نیست. ظاهر لفظ امر یعنی دستور است؛ ظاهر نهی یعنی بازداشتن است؛ صرف نظر از مراتب که بعداً در بحث‌های مدرسه‌ای پیدا می‌شود.

ما الان می‌گوییم ظاهر این آیه این است که می‌خواهد بگوید گروهی از شما باید این مسئولیت را به عهده بگیرند که دعوت به خیر کنند، امر به معروف کنند و نهی از منکر. قرینه مناسبت حکم و موضوع در این عبارات و جملات اقتضا می‌کند داعیان الی الخیر، آمران به معروف و ناهیان عن المنکر باید عالم و آشنای به خیر و معروف و منکر باشند. دیگر اینکه بالاخره حداقل خودشان از نظر عملی مشتهر به شر و منکر نباشند. درست است که ظاهر آیه اطلاق دارد و امت هرکسی را با هر شرایطی می‌گیرد، ولی باز قرینه مناسبت حکم و موضوع اقتضا می‌کند که این انصراف پیدا کند به انسان‌های عالم، توانا و کسانی که خودشان یک بهره‌جمالی برده باشند؛ نه اینکه بخواهیم بگوییم هرکسی می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند باید معصوم یا تالی تلف معصوم باشد یا مثلاً ملکه تقوا در او حاصل شده باشد.

بعد مسأله توانایی و امکان، این هم مفروغ عنه است. بالاخره غیر از قدرتی که شرط تکالیف است، اجمالاً می‌گوییم که آن کسی که می‌خواهد دعوت به خیر کند و امر به معروف کند، این از یک توانایی‌هایی و از یک ابزارهایی بهره‌مند باشد. طبیعتاً اگر یک گروهی با این ویژگی‌ها چنین مسئولیتی را داشته باشد، حاکمیت اسلامی و دولت اسلامی به عنوان بارزترین مصداق مخاطب این آیه است. ما نمی‌خواهیم بگوییم این فقط تکلیف را متوجه حاکمیت اسلامی و دینی می‌کند یا فقط متوجه حاکم

می‌کند؛ می‌گوییم همه، هرکسی هم در حد توان خودش. ممکن است یک مجموعه‌ای باشند که توانمندی کمتری داشته باشند، ابزارهای محدودتری در اختیار داشته باشند؛ نه، این همه را مخاطب قرار می‌دهد.

بنابراین با توجه به نوع مسئولیت و اینکه آیه اطلاق ندارد که همه اشخاص و کسانی که نام مسلمانی را یدک می‌کنند مخاطب قرار دهد. با توجه به آن ویژگی‌هایی که اجمالاً می‌شود از قرینه مناسبت حکم و موضوع در این آیه استفاده کرد، می‌توانیم بگوییم با این آیه می‌توان یکی از مسئولیت‌های مهم حاکمیت اسلامی را امر به معروف و نهی از منکر دانست. مثلاً در مواردی که مفاهیم منکر و معروف و خیر روشن است بحثی نیست؛ اما واقعاً در یک مواردی است که امر مشتبه می‌شود که باید حاکم اسلامی آن را معلوم کند.

سؤال:

استاد: می‌گوییم حاکم اسلامی است که با آن شرایطی که دارد ... شرایط دیگر را فرض گرفته‌ایم که آنها هم هست، فقط بحث عالم بودن نیست؛ می‌گوییم این هم یک مؤید است بر اینکه وقتی حاکم اسلامی می‌گوییم یا حکومت اسلامی که در رأس آن شخصیت آشنای به این مفاهیم است، طبیعتاً این بهتر می‌تواند هدایت و راهنمایی کند آن امت را به سوی این مفاهیم. البته با توجه به شرایط دیگر ما می‌گوییم حاکم اسلامی به دلیل نیاز به توانایی و ابزارهای لازم برای این کار، به دلیل شناخت بیشتر نسبت به مفاهیم مسئولیت دارد. اینجا بارزترین مصداق و آشکارترین فرد برای اینکه ما آن را مخاطب این آیه بدانیم، حاکم اسلامی است. ... بنده نه دنبال اثبات انحصار هستم و نه دنبال اثبات اولویت ... یعنی حاکم به عنوان شخص حقیقی اینجا خطاب است؟ ... پس مسأله احد من المسلمین نیست. ... این مصادیق متعدد دارد؛ ... تصریح کردم که مسأله اولویت در کار نیست، مسأله انحصار را نمی‌خواهم استفاده کنم، این را هم نمی‌خواهم بگویم ... یعنی آیه حاکم را بما أنه احد من المسلمین خطاب می‌کند؟ اگر این باشد که ارزش ندارد و به درد استدلال نمی‌خورد. ... اگر شخص حقیقی اینجا باشد، به درد استدلال نمی‌خورد. ... یک حاکم اسلامی دو حیثیت دارد، حیثیت شخص حقیقی و شخص حقوقی؛ اگر اینجا بگوییم مخاطب شخص حقیقی است، به درد استدلال اینجا نمی‌خورد. ... عرض من این است که این آیه حاکم را به عنوان شخص حقوقی، حکومت را به عنوان شخصیت حقوقی دارد یک مسئولیت به عهده‌اش می‌گذارد. ... توضیح دادم که «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» به مناسبت حکم و موضوع اقتضا می‌کند آن امتی که می‌خواهد دعوت به خیر کند و امر به معروف و نهی از منکر باشد، هرکسی نیست و هر مسلمانی نیست؛ این باید یک ویژگی‌هایی داشته باشد و آن ویژگی‌ها را وقتی نگاه می‌کنیم، آن ویژگی‌ها در حاکم اسلامی و مجموعه حکومت اسلامی به نحو اعلی وجود دارد؛ ولی منحصر به آنها نیست. اگر گروه‌ها و مجموعه‌ها و افرادی باشند در مراتب پایین تر از دانایی و توانایی باشند، این مسئولیت متوجه آنها هم هست. پس نه انحصار در کار است و نه اولویت ... واقعاً می‌توانیم به گردن این آیه بگذاریم که امت که می‌گوید یعنی همه مسلمانان این وظیفه را دارند حتی کسی که اصلاً خیر را نمی‌شناسد؟ به قرینه مناسبت حکم و موضوع در بعضی از این موارد ولو ظاهراً اطلاق دارد، اما انصراف پیدا می‌کند ... این نیاز به هیچ روایتی هم ندارد. ... از این آیه مسأله توانایی و قدرت این کار، استفاده می‌شود. یعنی کسی که می‌خواهد چنین کاری انجام دهد بالاخره یک حداقل‌هایی از شرایط باید برای او فراهم باشد یا نه؟ ما به استناد همین آیه می‌توانیم امر به معروف و نهی از منکر را از مسئولیت‌های حکومت بدانیم. چرا؟ چون می‌گوییم این کارها یک سری ابزارهایی

می‌خواهد و برای حکومت اسلامی این ابزارها فراهم است. وقتی چنین مسأله‌ای به عنوان یک مسئولیت همگانی وجود دارد، حکومت با توجه به اینکه مصداق بارز و اعلا‌ی شناخت نسبت به این مفاهیم، توانمندی نسبت به اجرای این مفاهیم، آن هم مسئولیت دارد؛ نمی‌توانیم بگوییم افراد مسئولیت دارند اما حاکم اسلامی مسئولیت ندارد.

پس حاکم اسلامی بماً آنه شخص حقیقی مدنظر نیست؛ حاکم اسلامی بماً آنه حاکم، و الا ارزش ندارد و نیازی ندارد ما بحث کنیم.

سؤال:

استاد: از این آیه می‌توانیم استفاده کنیم یکی از مسئولیت‌های حکومت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است؟ ... مدعا چه بود؟ ... اصل مدعا این بود که آیا حکومت اسلامی مسئولیتی دارد یا نه.

دو سه آیه دیگر و برخی روایات است که در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»